

۲۹۷

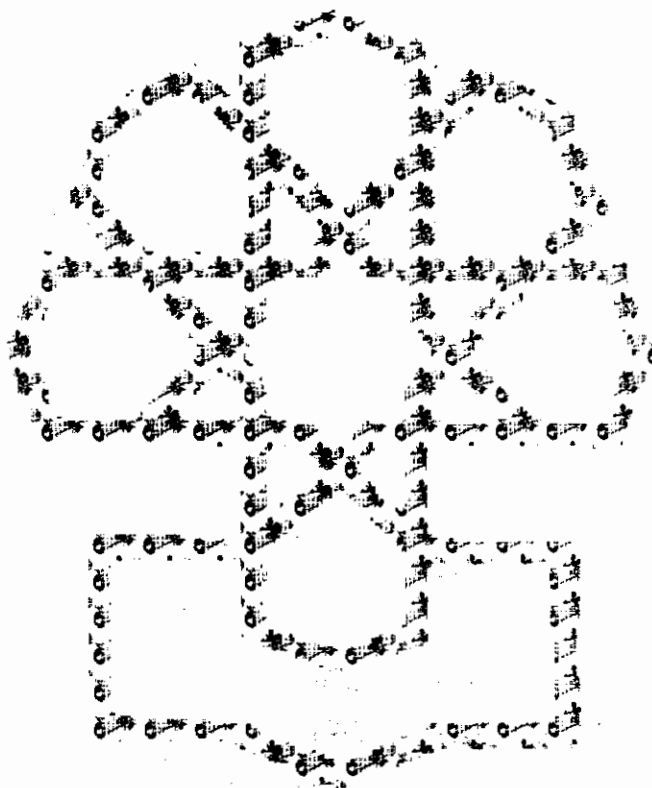


۲۰۹۸



بررسی کارایی اقتصادی در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸

درباره لایحه بودجه ۷۸ - شماره (۲۵)



معاونت پژوهشی

دی ۱۳۷۷

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی

معاونت پژوهشی‌های محترم

شماره: ۹۵

تاریخ: ۱۴/۱۰/۷۷

کد گزارش: ۱۶۰۴۰۹۸



بررسی کارایی اقتصادی در لایحه بودجه ۱۳۷۸
درباره لایحه بودجه ۷۸ - شماره ۲۵

کد گزارش: ۱۶۰۴۰۹۸

فهرست مطالب

- ۱- مقدمه ۲
- ۲- شناسایی تبصره‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر کارایی ۳
- ۳- تجزیه و تحلیل تبصره‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر کارایی و میزان اعتبار در نظر گرفته شده ۳
 - ۳-۱- کاهش تصدی دولت و خصوصی سازی ۳
 - ۳-۲- امنیت اقتصادی و مقررات زدایی ۵
 - ۳-۳- تغییرات تکنولوژیک و عوامل مؤثر بر بهره‌وری سرمایه ۶
 - ۳-۴- بهره‌وری نیروی کار ۷
- ۴- جمع‌بندی ۷

در این گزارش سعی شده است به مسئله کارایی اقتصادی در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ پرداخته شود و برای این کار ابتدا عوامل مؤثر بر کارایی اقتصادی شناسایی شده و سپس تبصره‌های مرتبط و میزان اعتباری که برای هر کدام از این عوامل به صورت موردی در نظر گرفته شده است مشخص گردیده و پس از آن تحلیلی صورت گرفته و در نهایت جمع‌بندی تحلیلی آنها آمده است.

در رابطه با شناسایی عوامل مؤثر بر کارایی اقتصادی، عناوین کلی زیر انتخاب گردیدند:

۱- کاهش تصدی دولت و خصوصی سازی

- الف- کاهش تصدی دولت
- ب- عدم تمرکز
- ج- کاهش بوروکراسی اداری
- د- تخصیصی کردن سازمان‌ها و منع آنها از دخالت در امور غیر مرتبط
- ه- خصوصی سازی و بهبود شیوه‌های مدیریت و مشارکت خارجی

۲- امنیت اقتصادی و مقررات زدایی

- الف- قانون گذاری و قانونمندی
- ب- افزایش امنیت اقتصادی و کاهش ناطمینانی‌ها
- ج- لغو قوانین و مقررات زاید
- د- شفافیت سیاست گذاری‌ها

۳- تغییرات تکنولوژیک و عوامل مؤثر بر بهره‌وری سرمایه

- الف- تکنولوژی و ورود آن
- ب- تحقیقات به خصوص توسعه‌ای و کاربردی
- ج- سرمایه گذاری‌ها، افزایش سرمایه‌های فیزیکی و هزینه‌های سرمایه‌ای صنعتی
- د- ماشینی کردن امور

۴- بهره‌وری نیروی کار

- الف- آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
- ب- آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی
- ج- تشویق و انگیزش‌های کاری

۲- شناسایی تبصره‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر کارایی

همان‌طوری که ذکر شد بعد از مرحله تعیین عناوین کاری، تبصره‌های مرتبط با هر کدام از این عوامل شناسایی گردیدند. جدول شماره ۱، تبصره‌های مرتبط با این عناوین را ارائه می‌دهد.

۳- تجزیه و تحلیل تبصره‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر کارایی و میزان اعتبار در نظر گرفته شده

۳-۱- کاهش تصدی دولت و خصوصی سازی

الف- در رابطه با خصوصی سازی و کاهش تصدی دولت در بودجه سال ۱۳۷۸ به نحو مبسوطی بدان پرداخته شده است. توجه اصلی به این مسئله در تبصره ۳۵ به‌طور مشخص با تعیین کمیته اجرایی و شرح وظایف آن می‌باشد چند نکته در این رابطه وجود دارد.

- واگذاری بخش‌های درمانی و بهزیستی با توجه به پوشش‌های نامناسب بیمه‌های درمانی و عدم رعایت تعرفه‌های مصوب توسط واحدهای درمانی از بعد رفاه اجتماعی مشکل آفرین خواهد شد. در این راستا لازم است ابتدا پوشش بیمه‌های درمانی کامل گردیده و تعرفه‌های مناسب با هزینه‌های جاری واحدهای درمانی تعریف شود. کلیه بیمه‌های درمانی در حال حاضر به دلیل عدم تناسب حق بیمه با هزینه‌های اعلام شده از طرف واحدهای درمانی و ظرفیت پایین این پوشش‌ها با زیان مواجه می‌باشند و ضریب پرداخت خسارت در این رشته بیش از ۱۰۰ درصد است. در نتیجه واگذاری واحدهای درمانی و طرح احتمالی خودگردانی این واحدها اگر همراه با پوشش مناسب بیمه‌های اجتماعی و درمانی نباشد همان‌طوری که ذکر شد مشکل آفرین خواهد شد.

جدول ۱- تبصره‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر کارایی اقتصادی

مقررات زدایی	تخصیصی کردن سازمان‌ها	مشارکت خارجی	کاهش بوروکراسی اداری	عدم تمرکز	کاهش تصدی دولت
-	-	تبصره ۲ تبصره ۲۹	-	تبصره ۲ تبصره ۳ تبصره ۶ تبصره ۹ تبصره ۲۰ تبصره ۲۱ تبصره ۲۲ تبصره ۲۵ تبصره ۲۶ تبصره ۳۷ تبصره ۴۰ تبصره ۴۵	تبصره ۲۴ تبصره ۳۱ تبصره ۳۵
امنیت اقتصادی	آموزش	ماشینی کردن امور	سرمایه گذاری	تحقیقات	تکنولوژی و ورود آن
-	تبصره ۷ تبصره ۸ تبصره ۱۵ تبصره ۱۷ تبصره ۲۲	-	تبصره ۳ تبصره ۱۱ تبصره ۱۳ تبصره ۱۶ تبصره ۱۹ تبصره ۲۹ تبصره ۳۳ تبصره ۳۵ تبصره ۳۷ تبصره ۴۳	تبصره ۵ تبصره ۱۵ تبصره ۱۷ تبصره ۲۲ تبصره ۴۳ تبصره ۵۳	تبصره ۲ تبصره ۲۲ تبصره ۴۳

- در رابطه با فروش پروژه‌های نیمه تمام عمرانی ذکر این نکته حائز اهمیت است که اگر این پروژه‌ها کالاهای اصطلاحاً عمومی تولید نمایند، منطقاً بخش خصوصی تمایل به در اختیار گرفتن این پروژه‌ها نخواهد داشت. در کشورهای دیگر نیز کالاهای عمومی ابتدا توسط دولت به دلیل نیاز به سرمایه‌گذاری‌های زیاد ایجاد گردیده و سپس اداره آنها به بخش خصوصی با حفظ استانداردهای معین و تعریف شده واگذار می‌گردد در نتیجه احتمال این که در این رابطه موفقیتی حاصل گردد هم به دلیل سرمایه‌گذاری به نسبت زیادی که این پروژه‌ها طلب می‌کند و هم به دلیل عمومی بودن کالاها و خدمات ایجاد شده توسط این پروژه‌ها بخش خصوصی تمایل به در اختیار گرفتن آنها نخواهد داشت. بنابراین پیش‌بینی درآمدهای حاصل از این فروش باید بسیار محتاطانه و با دقت فراوان ملحوظ شود. برای بحث کاملتر و دقیق‌تر لازم است لیست این پروژه‌ها در اختیار قرار گیرد تا بتوان با طبقه‌بندی آنها، درجه موفقیت خصوصی‌سازی را معلوم نمود. لازم به ذکر است که درآمد حاصل از موضوع تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ یعنی واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی در کل ۵۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است که در ردیف ۳۹۰۸۵۰، قسمت سوم قانون بودجه درج می‌باشد.

- آنچه که در بحث واگذاری شرکت‌های دولتی در نظر گرفته نشده این نکته است که بخش عمومی در اقتصاد ایران بالاتر از ۸۰ درصد منابع و امکانات را در اختیار دارد و در نتیجه واگذاری بخش عظیمی از آن (نه همه) به آن ۲۰ درصد باقی مانده به نظر می‌رسد که اگر با قصد صرفاً کسب درآمد برای دولت باشد امکان‌پذیر نخواهد بود.

نکته دیگر این که اغلب این واحدها در حال حاضر زیان ده بوده و با زیان انباشته مواجه می‌باشند. علاوه بر این تنگناهای تکنولوژیک، ضعف قانون کار و تورم نیروی انسانی، روش‌های مدیریت نامناسب، پایین بودن کیفیت تولیدات، مشکلات تأمین نقدینگی، عدم وجود انگیزه‌های کاری، عدم امنیت سرمایه‌گذاری و... امکان واگذاری این واحدها را به بخش خصوصی بیش از پیش محدودتر می‌سازد.

در این زمینه امکان جذب سرمایه‌های خارجی و جلب مشارکت خارجی در دوران خصوصی‌سازی به عنوان یک اصل می‌باید لحاظ گردد؛ تا تزریق نقدینگی و منابع مادی شود و هم سبب ورود دانش فنی و تکنولوژی گردد. این امکان در حال حاضر با توجه به لایحه بودجه و مقررات جاری کشور بسیار ضعیف است. ب- در قانون بودجه سال ۱۳۷۸ موارد متعددی از واگذاری اختیارات و مسئولیت‌ها که اغلب محدود می‌باشند به استان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مشاهده می‌شود هر چند که شاخص‌هایی همچون میزان اعتبارات طرح‌های استانی نسبت به کل اعتبارات عمرانی و همچنین میزان اعتبارات استان‌ها نسبت به کل بودجه عمومی دولت نسبت به سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ کاهش داشته است به نحوی که نسبت اعتبارات طرح‌های استان‌ها نسبت به کل اعتبارات عمرانی در سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۸ به ترتیب ۲۲ درصد، ۱۲/۳ درصد و ۱۱ درصد و نسبت اعتبارات استان‌ها به کل بودجه عمومی دولت به ترتیب ۱۸/۱ درصد، ۱۶/۱ درصد و ۱۴/۵ درصد می‌باشد و این بیانگر تنزل جایگاه اعتبارات استان‌ها در کل بودجه دولت می‌باشد. اما برای هزینه کردن این اعتبارات اختیاراتی به استان‌ها داده شده است.

به عنوان مثال در تبصره ۳۷ مسئولیت تعیین سهم هر شهرستان از اعتبار ۳۷۵ میلیارد ریالی ویژه مناطق محروم، عشایری و روستاهای محروم جنگ‌زده، به کمیسیون امور مناطق محروم استان واگذار شده است یا در بند «و» تبصره ۲۵ کاهش یا افزایش اعتبارات بین فصل‌های هر استان حداکثر تا ۵۰ درصد هر فصل به استان اختیار داده شده است. در تبصره ۲۲ به دستگاه‌های اجرایی که از اعتبارات عمرانی و جاری پژوهشی استفاده

می‌کنند اجازه داده می‌شود که تا ۲۰ درصد این اعتبارات را از طریق عقد قرارداد با مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌ها هزینه کنند یا اختیاراتی که به بعضی از نهادها جهت انعقاد قرارداد و عملیات پیمان‌کاری داده شده است؛ از این قبیل می‌باشند. اما آنچه قابل توجه است این‌که جهت افزایش کارایی و موفقیت بیشتر سیاست عدم تمرکز در اجرا باید به عنوان یک عامل مهم تلقی شود. یعنی سیاست‌های کلان و خط مشی‌های کلی توسط دستگاه‌های مرکزی اتخاذ و بعد به دستگاه‌های اجرایی محول شود؛ به عبارت دیگر تمرکز در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و عدم تمرکز در اجرا باید صورت پذیرد که البته در لایحه بودجه نیز تا حدودی مشاهده می‌شود که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. البته حساب شده و پس از بررسی‌های کارشناسی و تحقیقاتی لازم و ایجاد واحدهای نظارتی و ارزیابی دقیق جهت ارزیابی عملکرد واحدهایی که به آنها اختیارات و مسئولیت‌ها تفویض شده است؛ که به نظر می‌رسد در حال حاضر چنین واحدهایی وجود نداشته و اگر هم وجود دارد از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشند.

در رابطه با بوروکراسی اداری نیز باید گفت به دلیل این‌که ساختار بودجه ریزی همان ساختار سال‌های قبل می‌باشد و تفاوت چندانی با آن ندارد جهت کاهش بوروکراسی، فکری اساسی و کاربردی نشده است. همچنین شاخص «کل بودجه جاری به کل بودجه عمومی دولت» که برای سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۸ به ترتیب ۶۲ درصد، ۶۲ درصد و ۶۰ درصد می‌باشد بیانگر بزرگی تصدی دولت و به تبع آن وجود بوروکراسی اداری در سطح وسیع می‌باشد. البته اگر خصوصی‌سازی و عدم تمرکز هرچه بیشتر اجرا شود از بوروکراسی اداری نیز کاسته خواهد شد.

در زمینه‌های تخصصی کردن سازمان‌ها، خصوصی‌سازی، بهبود شیوه‌های مدیریت و مشارکت خارجی به جز مواردی همچون اعتبار در نظر گرفته شده جهت مرکز آموزش مدیریت دولتی که با ۱۹ میلیارد ریال اعتبار نسبت به سال‌های قبل نیز رشد دارد و همچنین بودجه مربوط به تحقیقاتی که احتمالاً صرف بهبود شیوه‌های مدیریت خواهد شد. در رابطه با مشارکت خارجی در بند «ن» تبصره ۲ به بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های دولتی که با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی زیر ۵۰ درصد اجازه تأسیس واحدهای تولیدی داده شده است؛ همچنین در قسمت ششم بند «د» تبصره ۲۹ به خارجیان اجازه تأسیس پالایشگاه البته با سهم زیر ۵۰ درصد (۴۹ درصد) داده شده است. در همین تبصره (۲۹) به جذب مشارکت خارجی به میزان ۵ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از طریق بیع متقابل (همانند سال قبل) و ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار از طریق فاینانس برای صنعت پتروشیمی و نفت و راه‌آهن، مخابرات و صنایع غیردولتی پرداخته است که نسبت به سال قبل در مجموع ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار افزایش داشته است که بیانگر توجه بیشتر دولت در این زمینه می‌باشد. البته با توجه به اهمیت موضوع و نقش آن در کارایی هر جهت اقتصادی می‌باید بیشتر مورد توجه و نظر قرار گیرد.

۳-۲- امنیت اقتصادی و مقررات زدایی

الف- در رابطه با قانون‌گرایی و قانون‌مندی در بودجه سال ۱۳۷۸ به‌غیر از اعتباری که مربوط به برنامه قانون‌گذاری و پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی می‌باشد موردی مشاهده نمی‌شود. از کل بودجه عمومی دولت (۱۰۵,۲۶۵,۸۷۷,۲۹۳,۰۰۰ ریال)، ۷۹,۰۷۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال مربوط به برنامه قانون‌گذاری می‌باشد که از این اعتبار، ۷۶,۹۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال مربوط به وضع قوانین و ۲,۱۵۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال مربوط به پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی می‌باشد. سهم برنامه قانون‌گذاری از کل بودجه مربوط به فصل

امور عمومی در سال ۱۳۷۸، ۱/۰۲ درصد است که این سهم در سال ۱۳۷۷، ۱/۱۶ درصد می‌باشد و این یعنی تنزل جایگاه برنامه قانون‌گذاری در کل بودجه مربوط به امور عمومی نسبت به سال قبل که با توجه به شرایط اجتماعی و اهداف دولت محترم و نیازهای جامعه تغییری در این خصوص لازم به نظر می‌رسد.

البته سهم ردیف ۱۰۲۰۲ یعنی برنامه پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از کل بودجه مربوط به برنامه قانون‌گذاری نیز از ۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۷ به ۲/۷ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش یافته است. در رابطه با دیگر موارد مربوط به امنیت اقتصادی و مقررات زدایی یعنی، افزایش امنیت اقتصادی، لغو قوانین و مقررات زاید و شفافیت سیاست‌گذاری‌ها، تبصره یا اعتباری خاص و مشخص در بودجه مشاهده نمی‌شود. آنچه که مهم است، فضایی است که قانون باید در آن اجرا شود و از خود قانون بودجه نمی‌توان تصویری کاملاً روشن و واضح از میزان قانون‌گرایی و سایر موارد مربوط داشت، مخصوصاً این‌که در بودجه‌ریزی ساختار سال‌های گذشته حفظ شده است و گرنه قانون بودجه بنا به ماهیت خود که همان «قانون» است پُر از تبصره‌ها و بندهای قانونی است اما باید دید آیا اجرا می‌شود یا نه و چه تدابیری برای اجرای آن در نظر گرفته می‌شود.

۳-۳- تغییرات تکنولوژیک و عوامل مؤثر بر بهره‌وری سرمایه

الف- در زمینه تکنولوژی و ورود آن با توجه به تبصره‌های قانون بودجه می‌توان گفت در ارتقا سطح تکنولوژی اولویت با منابع داخلی می‌باشد. در تبصره ۲۲ بند «ب» خرید هرگونه دانش فنی از خارج کشور منوط به اجازه شورای پژوهش‌های علمی کشور مبنی بر عدم وجود دانش فنی مورد نظر در داخل کشوری باشد و جهت ارتقا سطح تکنولوژی در داخل کشور علاوه بر بودجه‌هایی که مربوط به تحقیقات و همچنین سازمان‌های مسئول می‌باشد، مبلغ ۶,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نیز در ردیف‌های متفرقه (۵۰۳۰۷۸) بدان اختصاص یافته است.

توجه به منابع داخلی علی‌رغم حسنی که دارد و به ارتقا تکنولوژی ملی و بهبود وضعیت تحقیقات و پژوهش در کشور کمک می‌کند اگر همراه با یک سیستم ارزیابی و نظارتی منظم و کارا جهت نظارت بر کیفیت تحقیقات و دستگاه‌های ذی‌ربط نباشد می‌تواند به کاهش کیفیت و کمیت تولیدات داخلی و کاهش کارایی اقتصادی کشور بیانجامد که در حال حاضر چنین واحدهای نظارتی و سیستم‌های مربوط، از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشند.

ب- در رابطه با تحقیقات تبصره‌های متفاوت در قانون بودجه موجود است. اما آنچه که حائز اهمیت است میزان اعتبارات تحقیقاتی است که با ۱,۴۱۶,۴۵۶,۵۰۰,۰۰۰ ریال رشدی معادل ۲۳ درصد نسبت به سال قبل داشته است. سهم اعتبارات تحقیقاتی نسبت به کل بودجه عمومی دولت، ۱/۳۴ درصد است و علی‌رغم رشدی که دارد در مقایسه با کشورهای پیشرفته که بعضی موارد سهم بودجه تحقیقات آنها به ۴ درصد GNP نیز می‌رسد بسیار پایین است. همچنین کل هزینه‌های تحقیقاتی شرکت‌های دولتی عبارت از ۲۶۸,۳۳۳,۶۰۳,۰۰۰ ریال می‌باشد که سهم آن از کل بودجه این شرکت‌ها ۰/۱ درصد است. (کل بودجه این شرکت‌ها ۱۸۱,۳۱۰,۱۲۰,۷۸۴,۰۰۰ ریال می‌باشد). سهم تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی از کل این اعتبارات به روشنی مشخص نمی‌باشد و لذا اظهار نظری نمی‌توان انجام داد.

ج- در زمینه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی تبصره‌های خاصی به جز تبصره ۳۳ که به سرمایه‌گذاری آزمایشگاه فنی مکانیک و خاک و راه آهن جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کند، مشاهده نشد. که با توجه به نقش بسیار با اهمیت آن در کارایی اقتصادی، لازم است بیش از این مورد توجه قرار گیرد. سهم هزینه‌های سرمایه‌ای از

کل هزینه‌های اداری، سرمایه‌ای، پرسنلی و پرداخت‌های انتقالی دولت، در سال ۱۳۷۸، ۴/۱ درصد می‌باشد که از این نظر تقریباً مشابه با بودجه سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ می‌باشد. (کل هزینه‌های اداری، پرسنلی، سرمایه‌ای و پرداخت‌های انتقالی دولت ۲۲,۰۵۴,۳۰۷,۵۶۸,۰۰۰ می‌باشد). همچنین سهم هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی از کل بودجه این شرکت‌ها با ۱۹۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال، معادل ۲/۸ درصد است. د- برای ماشینی کردن امور تبصره‌ای خاص وجود ندارد اما جهت مکانیزه کردن فعالیت‌های نیروی انتظامی و همچنین مکانیزه نمودن طرح جامع مالیاتی کشور ردیف‌های خاص در نظر گرفته شده است به نحوی که ۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال برای نیروی انتظامی در ردیف ۱۰۶۰۰۵ و ۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال جهت طرح جامع مالیاتی در ردیف ۱۱۰۰۰۲ اختصاص یافته است. برای سایر وزارت خانه‌ها و دستگاه‌های ردیف خاصی اختصاص نیافته و به طور دقیق مشخص نمی‌باشد و با توجه به نقش مهم افزایش کارایی اقتصادی کشور حتی اگر ردیف خاصی در نظر گرفته نشود، در اجرا و هزینه کردن اعتبارات توجه خاص بدان مبذول شود.

۳-۴- بهره‌وری نیروی کار

در تبصره‌های مختلف قانون بودجه به مسئله آموزش توجه شده است که از آن جمله می‌توان به تبصره ۸ اشاره کرد که موضوع آن معافیت واحدهای آموزشی و پژوهشی از حق انشعاب آب، برق، فاضلاب و یک خط تلفن و گاز و همچنین اولویت‌هایی که به پژوهش‌های دانشگاهی در تبصره‌های دیگر اشاره کرد. اما در رابطه با بودجه اختصاص یافته به بخش‌های مختلف آموزش علاوه بر ردیف‌های متفرقه، باید گفت، برای آموزش و پرورش عمومی ۱۲,۳۶۳,۰۷۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال، آموزش فنی و حرفه‌ای ۱,۲۴۰,۵۹۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال و برای آموزش عالی ۲,۸۵۵,۸۶۵,۵۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد که همگی نسبت به سال‌های قبل از رشد برخوردار می‌باشند و در مورد انگیزش‌های کاری نیز به غیر از موضوع قسمت اول بند «ب» تبصره ۱۳ که به مرکز آمار اجازه داده شده تا به آن دسته از کارکنان دولت که در طرح‌های آماری با آن مرکز همکاری می‌کنند علاوه بر حقوق و مزایای دریافتی، حق الزحمه پرداخت کند، مورد خاصی مشاهده نمی‌شود.

۴- جمع‌بندی

آنچه که به عنوان یک جمع‌بندی می‌توان گفت این‌که با توجه به آمارهای موجود و سیستم بودجه‌ریزی بررسی کارایی اقتصادی از دیدگاه خرد اقتصادی به طور کامل میسر نمی‌باشد و این کار می‌باید با استفاده از شاخص‌های کلان اقتصادی انجام شود (با توجه به ساختار بودجه). اما همین کوشش اندک نیز بیانگر این واقعیت است که در بودجه سال ۱۳۷۸ به مواردی همچون امنیت اقتصادی، مقررات‌زدایی و تکنولوژی و ورود آن و همچنین کاهش بوروکراسی اداری و مشارکت‌های خارجی توجه بایسته و شایسته انجام نگرفته است و به بعضی موارد همچون کاهش تصدی دولت که توجه صورت گرفته است، توجه صورت گرفته کافی نیست.^۱ همان‌گونه که ذکر شد می‌باید توجه و دقت لازم در اجرا صورت پذیرد و درآمدها واقع‌بینانه‌تر برآورد شود.

۱. در این مورد در گزارش شماره (۲) لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ تحت عنوان «شرکت‌های دولتی در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ کشور» پیشنهاد پیش‌نویس قانون تشکیل شورای مدیریت و نظارت بر امر واگذاری را داده‌ایم.